

سخنی از سیمرغ





سرشناسه: کزازی، میر جلال الدین، ۱۳۲۷ -، مصاحبه‌شونده
عنوان و نام پدیدآور: سخنی از سیمرغ: (گفتگو با دکتر میر جلال الدین کزازی
پیرامون شاهنامه فردوسی)/سامان ح‌اصفهانی.
مشخصات نشر: تهران: ترنگ، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری: ۲۳۰ص.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۹۸۹۹-۸-۰
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
یادداشت: چاپ قبلی: نشر شورآفرین، ۱۳۹۰.
موضوع: کزازی، جلال الدین، ۱۳۲۷ - -- مصاحبه‌ها
موضوع: فردوسی، ابوالقاسم، ۳۲۹ - ۴۱۶ق. . شاهنامه -- نقد و تفسیر
موضوع: Ferdowsi, Abolqasem. Shahnameh -- Criticism and
interpretation
موضوع: شعر فارسی -- قرن ۴ق. -- تاریخ و نقد
موضوع: Persian poetry -- 10th century -- History and criticism
شناسه افزوده: ح‌اصفهانی، سامان، ۱۳۵۸ -، مصاحبه‌گر
شناسه افزوده: فردوسی، ابوالقاسم، ۳۲۹ - ۴۱۶ق. . شاهنامه. شرح
Ferdowsi, Abolqasem. Shahnameh
رده بندی کنگره: ۱۳۹۷ س۳ ۴۳ک/PIR۴۴۹۵
رده بندی دیویی: ۸۱۰/۲۱
شماره کتابشناسی ملی: ۵۳۸۳۴۴۹



سخنی از سیمرغ

(گفتگو با دکتر میرجلال‌الدین کزازی
پیرامون شاهنامه فردوسی)

سامان اصفهانی



نشر ترنگ

۱۳۹۷



nashretorang



www.nashretorang.com



نشر نرنگ



سخنی از سیمرغ

(گفتگو با دکتر میر جلال الدین کزازی پیرامون شاهنامه فردوسی)

سامان اصفهانی

حروفچین و صفحه آرا: نسرين فيضي

لیتوگرافی و چاپ: پردیس دانش

چاپ دوم: ۱۳۹۷

چاپ اول: ۱۳۹۰ شورآفرین

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۲۴۵۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۹۸۹۹-۸-۰

نشانی: خیابان انقلاب، خیابان روانمهر، کوچه دولتشاهی، پلاک ۵، طبقه اول

تلفن: ۰۶۶۴۰۳۵۲۰ / ۰۶۶۴۷۰۳۷۶ / ۰۹۱۹۹۶۴۶۲۲۴

حق چاپ محفوظ است



nashretorang@gmail.com

فهرست

پیش‌گفتار	۷
گاه‌شمار زندگی میرجلال‌الدین کزازی	۱۷
آثار میرجلال‌الدین کزازی	۲۳
زبان و منش؛ همبسترانِ همبسته	۳۳
منشِ تباری باستان؛ شالوده‌ی میراث و ویژه‌ی فرهنگی	۴۵
حماسه و پیوند آن با پیدایمی تمدن‌ها	۴۹
چالش‌های بازگشت به شاهنامه در جامعه‌ی امروز	۵۳
جهان‌بینی فردوسی؛ بن‌مایه‌ی مازهای سادگی	۶۷
گسست و پیوست شاهی و پهلوانی در دوره‌های گوناگون	۷۷
دگرگونی جهان‌بینی در شاهنامه بر پایه‌ی کنش‌ها	۸۵
کاوه‌های اعماق در تنگنای زمان و جایگاه	۹۱
فر: برتری نژادی یا گرامیداشتِ باورهای سپند	۹۷
تفاوت ساخت و پرداخت زیبایی در شاهنامه	۱۰۳
گونه‌گویی و تکرار در فلسفه‌ی هنری شاهنامه	۱۱۳
هنگامه‌های نهان در کسالتِ نظمِ زبان	۱۱۹
کارکرد ادبیات و ویژه‌ی فردوسی	۱۲۹
ترفندهای داستان‌پردازی	۱۳۳
چهره افروزی به ناگاه اشخاص	۱۳۷

۱۴۵		سَنجش غمنامه‌های ایرانی بر پایه‌ی سَنجه‌های نیرانی
۱۴۹		ردپای کرده‌های گرشاسپ در داستان رستم
۱۵۳		فردوسی تحلیلگر یا راوی تاریخ
۱۵۹		اسکندرِ اسطوره‌ای شاهنامه؛ تاریخ از نگاه ایرانی
۱۶۷		زنانِ نمونه‌ی باستان در سایه‌ی سرشت حماسه
۱۷۱		فرازوی از چارچوب‌های اجتماعی و آیینی
۱۷۵		نبردهای پدافندی؛ نموداری از آشتی‌جویی ایرانیان
۱۷۹		فرجام حماسه‌های بومی و ملی
۱۸۳		راهکارهای روزآمدی شاهنامه به زبان روزگار فناوری
۱۹۱		برافزوده‌های شاهنامه؛ پرسمان هنگامه‌ساز ویرایشگری
۱۹۷		کاستی‌های یک کرسی ویژه برای نامه‌ی فرهنگ و منش
۲۰۵		نکته‌ی نغزِ نهان
۲۱۱		نمایه

پیش‌گفتار

سخن هرچه زین گوهران بگذرد

نیابد بدو راه جان و خرد

در دنیای این روزهای ما، هرملتی برای آنکه بتواند خود را در کوران کشاکش‌های پرتنش و دگرگونی‌های پرشتاب نگه دارد، بایسته است که بداند چه راهی را پیش بگیرد. در روزگار رقابت برای پیش رفتن در میان ملت‌ها، این بنیادی‌ترین و نهایی‌ترین چیزی است که باید در پرتو آگاهی بداند. اما دانستگی هیچ‌گاه به خودی خود در ذهن مردم پدید نمی‌آید؛ ملت‌ها برای رسیدن به این آگاهی کلیدی که «چه باید بکنند» نیاز به چند پیش‌نیاز اساسی دارند. نخست آنکه باید بدانند، که هستند، که بوده‌اند، چگونه و از کجا بدین جا رسیده‌اند. دیگر آنکه بدانند اکنون در چه محیط و چه شرایطی زیست می‌کنند و برای آنکه به اهداف خود یعنی استقلال

ملی، آزادی، پیشرفت و بازماندن از ملت‌های دیگر برسند، باید چه منش و کنشی پیش روی بگیرند.

روی سخن و نگاه من در این گفتار، میل به واکاوی بخش نخست پیش‌نیازهای اشاره شده دارد؛ زیرا باور دارم هر چه حفره‌های موجود بیشتر شود و تاریکی‌ها از میان برود، به خودی خود، به بینش شایسته و کاربردی‌تری در پیش‌برد بخش دوم این پیش‌نیازها خواهیم رسید.

دانستن اینکه که بوده‌ایم، چگونه و از کجا بدین جا رسیده‌ایم و که هستیم، ارتباط مستقیم با فرهنگ و تاریخ هر ملت دارد. فرهنگ از يك منظر، برآیند شیوه‌های گوناگون زیست است. برای ما فرهنگ، برآمده از شیوه‌های زندگانی قوم‌های ایرانی است یا دقیق‌تر بگوییم؛ یعنی شیوه‌ی ویژه‌ای از بودن، دیدن و در کل شکل متشخصی از حضور در زندگی و طبیعت که روی هم مفهوم ایرانی بودن را تعریف می‌کند.

بخشی مهم از مفهوم ایرانی بودن را زیست و جهان‌بینی باستانی ایرانیان، در جایگاه ملتی که دیری در پهنه‌ی گیتی زیسته‌اند، می‌سازد. روشن است که شناخت زوایای گوناگون زیست و جهان‌بینی باستانی ایرانی، جز در پژوهش و دوباره‌خوانی آثار ادبی و تاریخی و... بازمانده از دوره‌های مختلف امکان‌پذیر نیست؛ بدیهی است که یکی از مهم‌ترین آثار در این زمینه، حماسه‌ی ایران یعنی شاهنامه فردوسی است. «شکل و محتوای حماسه، جهان‌بینی کامل و تجلی عینی روح ملی است.» شاهنامه گویاترین

نامه‌ای است که تصویر روح ملی ما را در شکل تیره‌های گوناگون در پیروزی‌ها و شکست‌ها، امیدها و ناامیدی‌ها، زادن‌ها و مردن‌ها، عشق‌ها و نفرت‌ها نشان می‌دهد. این نامه مهم‌ترین آینه‌ای است که در روزگار بی‌خویشتنی‌ها می‌توانیم بار دیگر خودمان را در آن دیده و مرور کنیم.

اما این گنجینه‌ی گران‌سنگِ معرفت‌شناسی ما ایرانیان، به علت منظرهای ویژه و وسیع خود، چه از لحاظ پرداخت هنری و چه اندیشگی، بیش از هراثر دیگری در تاریخ و فرهنگ ادبیات ما در گستره‌ی توجه و پژوهش قرار گرفته است. با این همه، پرسش‌های بسیاری هنوز بی‌پاسخ مانده است. پس برای نشان دادن ابعاد دیگر «من ایرانی» و به دست دادن راهبردی امروزی برای بازبارورسازی فرهنگی، شایسته است که بتوانیم پژوهشی دیگر از شاهنامه ارائه بدهیم. گذشته از این، هنگامی می‌توانیم به فرهنگ و ادب پیشین خود به دیده‌ی انتقادی بنگریم که آن ادبیات بخشی بزرگ از درون‌مایه‌ی اندیشه‌ی شناخته‌شده‌ی ما باشد. پس به شاهنامه هم که دربردارنده‌ی گستره‌ای وسیع از معرفت‌شناسی شناخته‌شده‌ی فرهنگ ایرانی است، می‌توان با دید انتقادی نگریست؛ دیدی که بی‌هیچ افراط و تفریطی، روشی باشد در راستای روشنگویی مفهومی، نه از نوع برخورد‌های احساسی-واکنشی معمول.

بر این پایه، شالوده‌ی کتاب پیش روی را بر گفتگویی پژوهشی انتقادی با دکتر میرجلال‌الدین کزازی نهاده‌ام. پرداختن

به شاهنامه با چنین شالوده‌ای در شکل يك كتاب تازگی دارد. عرضه‌ی آرای رای‌مندان این زمینه به شیوه‌ی يك گفتگو می‌تواند فراتر از هر مسئله‌ی سبکی و بیانی رفته و در خدمت افزایش نقش و بُرد شاهنامه در متنی فراگیرتر باشد.

باور دارم که طبیعت متکثرگفتگو، که موجب به شمار آوردن هستی‌شناختی «دیگری» و «دیگران» می‌شود، به شکلی بسیار مطلوب می‌تواند ما را به سوی تولید نظریه و تفکر انتقادی سوق داده و خیر و شرف فرهنگ ما را آشکار کند. این یکی از وضعیت‌های مهمی است که در آن می‌توانیم محدودیت‌ها و مقدرات این فرهنگ را بیشتر بشناسیم.

گذشته از این، تصور من بر این است که با کسانی که از سالیان پیش آرای خود را درباره‌ی شاهنامه نوشته‌اند و پژوهش‌های خود را به سرانجام رسانده‌اند، فقط در گفتمانی زنده و به‌روز، امکان بازخوانی و فراروی از آرای شان و زایش تفکرات تازه در این گستره وجود دارد. این نیز به خودی خود در خدمت شکلی دیگر از بازخوانی و به چالش کشیدن چنین متن‌هایی است.

اما در پاسخ به اینکه چرا به سراغ دکتر کزازی رفته‌ام، می‌توانم گفت ایشان، که نیاز چندانی به معرفی ندارند، از دانشمندانی در این زمینه‌اند که ویژگی‌هایی منحصر به فرد دارند: پافشاری ایشان بر سخن گفتن به پارسی پیراسته، که وی را به نمود و نشان سخن پارسی بدل کرده است، بار دیگر بر اهمیت بازگشت به گذشته‌ی زبان و فرهنگ ما تأکید می‌کند. از سوی دیگر، وی در زمینه‌ی

شاهنامه پژوهی نخستین کسی است که سراسر شاهنامه را بی‌کم و کاست گزارش و ویرایش کرده است؛ کارستانی از این دست، خود، بر احاطه‌ی بی‌چون و چرای ایشان بر این متن صحنه می‌گذارد. و از همه مهم‌تر، آثار و مقاله‌های پژوهشی ایشان در این زمینه است که همیشه بیانگر دیدی ویژه و نو درباره‌ی شاهنامه بوده که وی را به عنوان فردی صاحب‌رای در این گستره به ما می‌شناساند.

داوری درباره‌ی شاهنامه و فردوسی و فرهنگ ایرانی، هنگامی دادمندان و کارساز است که برپایه‌ی شناخت چند و چون شاعری او، دریافت تمامیت اثر او، و درك سامانه‌ی فرهنگی‌ای باشد که حماسه‌ی ما بر آن بنیاد یافته است.

کوشش کردم که در طرح پرسش‌ها و خواندن و موشکافی شاهنامه، به این اثربه صورت يك پدیده واحد نگاه کنم؛ یعنی آن را در مجموعه‌ی روابط و موقعیت و کلیتش دریابم. رابطه‌ی اندام‌واره‌ی اجزاء و کلیت آن را با فرهنگ ایرانی بفهمم، آنگاه داوری کنم.

از این رو، تمامی پرسش‌ها، که بیشینه‌ی آن‌ها فرآورده‌ی جرقه‌های ذهنی‌ام در طول مدت پژوهش بر این میراث ادبی- فرهنگی بوده، به عنوان جزئی مستخرج از کل اثر، همواره رابطه‌ی اندام‌وار خود را با کلیت متن حفظ کرده‌اند. نخست با طرح مقوله‌هایی فراگیر، مانند زبان، اسطوره، حماسه و... که در رابطه با متن اصلی هستند، وارد گفتگو شده‌ام. پس از آن، پرسش به پرسش، روی موضوعاتی که تاکنون چندان به چالش کشیده

نشده‌اند یا از دیدی دیگری می‌شد زوایای تاریک آن را واکاوی و بررسی کرد، وارد متن شاهنامه شده‌ام. بخشی دیگر از پرسش‌ها به علت اینکه چاشنی انتقادی گفتگوی بیشتر شود، به نقد آرای دکتر کزازی و دیگر شاهنامه‌پژوهان رای‌مند کشورمان اختصاص دارد. از آن سو نیز، هر چه به انتهای گفتگو نزدیک‌تر می‌شویم، پرسش‌ها ویژگی بیرون از متن پیدا کرده و در پیوند با شاهنامه پی‌ریخته شده‌اند. پرسش‌هایی که به منزله‌ی ورودی موضوع تازه‌ای در گفتگو به شمار می‌آمده‌اند، هر کدام با نامی ویژه به صورت سرفصل تازه‌ای در متن طرح شده‌اند که گمان می‌کنم با این رویکرد موضوعیت گفتگوها هم برجستگی بیشتری پیدا کرده است.

اشاره به این نکته را هم بایسته می‌دانم که از طرح مقوله‌های بحث‌برانگیزی، مانند سخنرانی احمد شاملو درباره‌ی فردوسی، که بارها و بارها از زوایای گونه‌گون به آن پاسخ داده شده، به خاطر تکراری بودن آن در حد اشباع، پرهیز کرده‌ام.

در ادامه بایسته می‌دانم از دکتر میرجلال‌الدین کزازی که بزرگوارانه برای پیدایش این کتاب با من همکاری کرده و پرسش‌ها را بدون هیچ پیش‌زمینه‌ای پاسخ داده تا گفتگو شکل بداهه‌ی خود را حفظ کند، بسیار سپاسگزار باشم؛ هم‌چنین، در این راه، ادای احترام می‌کنم به دکتر ایرج مهرکی، نخستین استادی که اهمیت شاهنامه را بیش از پیش نشانم داد و آموخته‌های پایه‌ای من از اوست؛ سپس، از جناب آقای علی محمد نجاتی و دوست مهربان دکتر محمد جواد اعتمادی به خاطر منابعی که در اختیارم

گذاشتند و سرکار خانم مریم غفوری، مدیر نشر ترنگ، و دکتر علی کوهی که پشتیبانی‌شان سبب چاپ و انتشار مجدد این کتاب شد، قدردانی و تشکر می‌کنم.

در پایان نگارنده امیدوار است که این نوشته برای دوستداران و پژوهشگران این زمینه و همه‌ی دلبستگان فرهنگ و ادب ایران زمین سودمند باشد و لغزش‌های آن را به بزرگواری گوشزد کنند.

سامان اصفهانی

۱۳۸۸/۱۱/۲۹

